



علی ورامینی

دبیر گروه فرهنگ

صبر بر عدو و جور به یار

بی هیچ طعنه و کنایه‌ای، در مقام یک شهروند از تصمیم مسئولان برای رفتار عقلانی در برابر اقدامات جنگ طلبانه اسرائیل قدردانی می‌کنم. احتمالاً هرکسی که از ویرانی ایران دریغ دارد، هم چنین کند. اگر چه دفاع از حیثیت و جغرافیای کشور واجب و مهم‌ترین کار است اما جنگ پلشت و بی‌رحم است.

به جزئیات این تصمیم کار ندارم. سیاست خارجی پیچیده‌تر از آن است که بخواهیم در سستونی برای آن نسخه بپیچیم. این مدت که در سخن مسئولان لشکری و کشوری کلیدواژه‌هایی می‌شنوم که بر صبر و دوری از شتابزدگی در تصمیم‌گیری دلالت دارد، دائم این بیت سعدی از خاطرم می‌رود «چو می‌توان به صوری کشید جور عدو/ چرا صبور نباشم که جور یار کشم». اتفاقات همین چند روز، نه ماه و سال، همین یکی، دور روز از ذهنم می‌گذرد؛ به این فکر می‌کنم که سعید مدنی هر چقدر هم به لحاظ فکری با شخص یا جریانی در تضاد باشد، دیگر از نتایج با ما دشمن‌تر نیست. برای امنیت کشور که خطرناک نیست، پژوهشگر و استاد دانشگاهی منتقد است که چندسال اخیر در حبس بوده است. منطبق حبس شدن‌اش را نمی‌فهمم. معمولاً حبس برای رسیدن به دو نتیجه صورت می‌گیرد؛ یکی دور کردن فرد خطرناک از جامعه و دومی تنبیه فرد خاطی. بعید می‌دانم حتی قاضی‌ای که حکم محکومیت سعید مدنی و امثالهم را داده است، لحظه‌ای گمان کند که بودن جسم او در جامعه برای احدی کوچکترین خطری داشته باشد. اگر مسئله هم داشتن سویه‌ای منتقدانه است باز هم بعید است که چنین شخصیت‌هایی لحظه‌ای فکر کنند که اندیشیدن و بیان کردن نظرات‌شان کاری غلط بوده و متنبه شوند. به هر روی این پژوهشگر به حکم قاضی‌ای در زندان افتاده است، ولی اینکه باز تنبیهی در دوران تنبیه این استاد دانشگاه اعمال می‌شود و او را به زندانی خارج از محل سکونت خانواده‌اش می‌فرستند، مایه حیرت جامعه می‌شود. هنوز آن خبر را هضم نکردیم که می‌شنویم ضیا نبوی و هستی امیری، دو دانشجوی معترض به مسومیت‌های سریالی دانش‌آموزان به حبس فراخوانده می‌شوند تا دوران محکومیت خود را سپری کنند؛ دو دانشجویی که پیش‌تر هم به دفعات طعم حبس را کشیده‌اند، دو دانشجویی که تنها فعالیت‌شان نوشتن عاری از توهین و خشم در شبکه‌های اجتماعی‌شان بود.

و در کنار فقط در همین یکی، دو روز می‌شنوم که این تصمیم عقلانی در برابر جنگ‌افروزی نتایج می‌گذارد. بیت سعدی را باز مرور می‌کنم؛ صبوری، جور عدو، جور یار، سعی می‌کنم خود را جای تصمیم‌گیران بگذارم. گمان می‌کنم که در قیاس با نتایج هر منتقد داخلی‌ای همان «یاری» باشد که سعدی می‌خواهد صبرش را خرج آن کند، نه دشمنش. سعی می‌کنم از درپچه ملاحظات سیاسی، امنیتی و ایدئولوژی تصمیم‌گیران به شیوه برخوردشان با منتقدان نگاه کنم. باز هم این منطق را متوجه نمی‌شوم که چطور می‌توان به جور آدم کشی چون نتایج صبر کرد و استاد دانشگاه و دانشجوی هموطن، هر چند منتقد را، سزاوار این صبر ندانست؟ بدترین سناریو را در نظر می‌گیریم؛ اینکه امثال سعید مدنی، ضیا نبوی و هستی امیری در نظام فکری بعضی مسئولان رخنه‌یافتند و زهره دشمنان به حساب آیند. باز هم این تناقض، صبر بر عدو و سختگیری بر یار را متوجه نمی‌شوم! اینکه در جامعه مانند دو دانشجو که تنها ظرفیت و احتمالاً خطرشان چند خط صحبت و نقد در شبکه‌های اجتماعی محدودشان است، خطرناک‌تر است یا بمب خبری شدن این اتفاق برای مصلحت ساختار سیاسی موجود؟ اینکه سعید مدنی در زندان اوین دوران حبس خود را بگذراند، مصلحت‌اندیشانه‌تر است یا اینکه تبعید او به شهری دیگر، بمب خبری شود و بسیاری از ظلم مضاعفی که بر خانواده او از این تبعید می‌رود، بنویسند؟

باری، همانقدر که چون آفتاب روشن است عناد نتایج‌ه‌وآنان که با او همراهی اند نه فقط با نظام سیاسی که با کلیت ایران است، پرواض است نام‌هایی که این روزها زیاد شنیدیم؛ سعید مدنی، هستی امیری و ضیا نبوی و امثالهم خبر خواه ایران‌اند. فارغ از اینکه با آنها همدل باشیم یا نباشیم، استدلال و منطق‌شان را درست بدانیم یا غلط، کمتر کسی می‌تواند به نیت خیر آنها برای زیست جمعی بهتر در این کشور شک کند. حال اگر با این نگاه همدل باشیم، آن نتایج‌ه‌و را عدو بدانیم و اینان را یار، یار هرکس که در اندیشه زیست جمعی بهتر است، نباید در مقام تصمیم‌گیر تأملی بیشتر به بیت سعدی کرد؟ نباید صبر و تساهل تصمیم‌گیران و حتی مصلحت‌اندیشی‌شان، بیشتر شامل یار شود تا عدو؟

hammihanmedia@gmail.com
@Hammihanonline
https://t.me/hammihanonline
@Hammihanonline

• صاحب امتیاز و مدیرمسئول: غلامحسین کرباسچی • مشاوران: عباس عبدی و احمد زیدآبادی • سردبیر: محمد جواد روح • سردبیر آنلاین: افشین امیرشاهی • معاون سردبیر: مهرداد خدیر • دبیران گروه‌ها: فرزانه طهرانی (اقتصاد) • آرمین منتظری (دیپلماسی و بین‌الملل) • علی ورامینی (رسانه و فرهنگ) • سمیه متقی (سیاست) • الهه ابراهیمی (خبر) آرش خاموشی (عکس) • هادی حیدری (طرح و کاریکاتورها) • شبنم رحمتی (معاون آنلاین) • مدیر هنری: مهدی قربانی‌تبار • جروفچینی و ویراستاری: شهرام هادی • مدیر اداری و آگهی‌ها: شاهرخ حیدری • تلفن روابط عمومی: ۸۸۷۴۹۳۰۵۰ • تحریریه: ۸۸۷۳۰۲۹۱ • آگهی‌ها: ۸۸۷۳۵۲۰۷ • نشانی: خیابان شهید بهشتی، خیابان پاکستان، کوچه دوازدهم، پلاک ۱۸ • لیتوگرافی و چاپ: هم‌میهن • توزیع: نشر گستر امروز نوین • تلفن: ۰۲۱-۹۱۳۰۴۱۴۲



مقابله با هوش مصنوعی در اینستاگرام

شرکت متا قصد دارد مطالبی که با هوش مصنوعی دستکاری شده‌اند را برچسب‌گذاری کند



سپهر خرمی

گزارشگر گروه فناوری

«الساندرو پالوزی»، کارشناس شناخته‌شده شبکه ایکس توییتری را منتشر کرد مبنی بر اینکه به‌زودی قرار است اینستاگرام و فیس‌بوک، روی مطالبی که از طریق هوش مصنوعی دستکاری شده است، برچسب‌گذاری کنند. بعد از این توییت بود که شرکت متا نیز چنین موضوعی را تأیید کرد. هدف از این برچسب‌گذاری، مطلع کردن کاربران شبکه‌های اجتماعی از مطالبی است که با هوش مصنوعی دچار تغییرات شده‌اند. البته شرکت متا قصد ندارد چنین مطالب دستکاری شده را حذف کند و فقط به واترمارک‌گذاری که صرفاً شکل اطلاع‌رسانی به مخاطب داشته باشد، بسنده خواهد کرد. اینکه هدف از چنین قانون‌گذاری چیست را در این گزارش قرار است به تفصیل بپردازیم؛ پشت‌پرده‌ای سیاسی که به انتخابات آمریکا می‌گردد. مارک زاکربرگ و ایلان ماسک، دو سرمایه‌گذار شبکه‌های اجتماعی و از افراد تأثیرگذار در عرصه فناوری بارها نسبت به گسترش هوش مصنوعی و مضرات آن هشدار داده بودند. حالا شرکت متا به این نگرانی‌ها واکنش نشان داده و قصد دارد قوانینی را به‌زودی اجرایی کند که قدرت هوش مصنوعی را در فیس‌بوک و اینستاگرام به حداقل برساند؛ البته شاید برای مقطعی خاص تا پایان ماه ژوئن. این نگرانی‌ها از چالش‌ها و بحران‌هایی چون «دیپ فیک» آغاز شد که سروصدای زیادی را علیه افراد سرشناس سیاسی و هنری در شبکه‌های مجازی به‌وجود آورد.

دیپ‌فیک نام یک نرم‌افزار مبتنی بر هوش مصنوعی است که به‌صورت تصویری و صوتی می‌تواند تصاویری را تولید کند که مخاطب اصل را از فرع و واقعیت‌ها از تصاویر غیر واقعی تشخیص نمی‌دهد. همان کاری که سال‌ها فتوشاپ انجام می‌داد به‌شکل حرفه‌ای‌تری دیپ‌فیک روی تصاویر ویدئویی انجام می‌دهد و می‌تواند ویدئوهایی را بسازد که کاملاً ساختگی است. دیپ‌فیک، ترکیبی از «یادگیری عمیق» (Deep Learning) و «جعلی» (Fake) است. بعد از این حواشی بود که شرکت متا تصمیم گرفت برای جلوگیری از گسترش چنین اتفاقاتی، حداقل مانع از گسترش فیک‌نیوزها را سوی هوش مصنوعی شود. این شرکت قرار است پست‌هایی که توسط هوش مصنوعی دستکاری شده را برچسب‌گذاری کند تا مخاطب متوجه برخی تغییرات این ویدئو شود. روز جمعه شرکت متا در پستی اعلام کرد: «سیاست جدید شامل تصویر، ویدئو یا صوت تولیدشده یا تغییر یافته به‌صورت دیجیتالی خواهد بود.»

پیش از تصویب چنین قانونی، هیئت نظارتی متشکل از محققان و افراد دانشگاهی با انتشار بیانیه‌ای به انتقاد از شرکت متا پرداخت که نسبت به افزایش قدرت هوش مصنوعی، بی‌تفاوت عبور کرده و در صورتی که این شرکت قوانین سرسختانه‌ای را علیه هوش مصنوعی اتخاذ نکند دیگر نمی‌توان مقابل این علم ایستادگی کرد. حالا ظاهراً شرکت متا نیز احساس خطر کرده و با درک شرایط قرار است قوانینی را اتخاذ کند که در کنار حفظ حریم و آزادی کاربران برای انتشار پست‌ها، مطالبی که قرار است با هوش مصنوعی دستکاری شوند را به اطلاع عموم برساند.

چندین انتخابات پیش‌رو حساسیت‌ها

بسیاری تصور می‌کنند شرکت متا صرفاً برای جلوگیری از گسترش هوش مصنوعی در ویدئوهای اینستاگرامی چنین تصمیمی گرفته، اما دلیل اصلی چنین تصمیمی، موضوعی سیاسی است.

پیش از اینکه پاسخ این ابهام داده شود، باید گفت محتوای هوش مصنوعی همچنان نقش ویژه‌ای در حوزه اطلاعات «فیک‌نیوز» ایفا می‌کند. به گفته متا با توجه به حساسیت این موضوع، بیش از یکصد شرکت امنیتی برای راستی‌آزمایی مطالب منتشرشده در اینستاگرام و فیس‌بوک، برای جلوگیری از انتشار محتواهای دستکاری شده دور هم گرد آمدند تا این مطالب را برچسب‌گذاری کنند.

دلیل اصلی اتخاذ چنین تصمیمی اما انتخابات پیش‌روی پارلمان اتحادیه اروپاست که قرار است در ماه ژوئن برگزار شود. انتخابات پارلمان کشورهای چون بلژیک و بلغارستان نیز قرار است در ماه ژوئن و آگوست برگزار شود و به‌مرور سایر کشورهای اروپایی نیز درگیر چنین موضوعی خواهند شد. از همین حالا شرکت متا به فکر افتاده که از ناحیه فیس‌بوک و اینستاگرام بحران یا چالشی به این انتخابات‌های مهم اروپا وارد نشود.

همچنین تمرکز بحث‌ها به‌ویژه روی انتخابات ریاست جمهوری آمریکا در ماه نوامبر است. حدود ۲۰ شرکت فناوری قبلاً توافق کرده‌اند که برای محافظت از انتخابات در برابر نفوذ دستکاری هوش مصنوعی همکاری کنند. متا یکی از این شرکت‌هاست که قرار است به‌صورت انحصاری در خصوص فیک‌نیوزها همراه با انتشار ویدئو، با ارگان‌های نظارتی انتخاباتی در آمریکا همکاری ویژه داشته باشد تا مانع از هرگونه تقلبی شود.

متا در پست وبلاگ نوشت: «ما موافقت کردیم که شفافیت فراهم کنیم و متن اضافی، راه بهتری برای رسیدگی به چنین محتوایی است. این شرکت ویدئو، صوت و تصاویر تولیدشده با هوش مصنوعی را تحت سیاست جدیدی که اجرای آن، در ماه مه آغاز خواهد شد، با برچسب «ساخت هوش مصنوعی»، مشخص خواهد کرد.»

بر اساس گزارش بلومبرگ، با توجه به انتخابات ریاست جمهوری آمریکا در نوامبر، این موضوع که متا چگونه با محتوای تولید هوش مصنوعی برخورد می‌کند، موضوع سیاسی مهمی در سال میلادی جاری بوده است. متا پیش از این، درباره ضرورت برچسب‌گذاری خودکار پست‌های تولیدشده با هوش مصنوعی از جمله پست‌هایی که با استفاده از فناوری‌های رقیب ایجاد شده‌اند، صحبت کرده بود.

در خدمت یا خیانت به کاربران

بسیاری از کاربران شبکه ایکس معتقدند که تصویب این قانون که به زودی قرار است روی فیس‌بوک و اینستاگرام اجرایی شود، آغاز سرکوب آزادی‌بیان یا تنوع تولید محتوا در این دو پلتفرم خواهد بود. بسیاری از کاربران شبکه‌های اجتماعی نه‌به‌خاطر تقلب، بلکه به‌دلیل بالا بردن کیفیت پست‌های خود که به‌صورت ویدئو منتشر می‌شود از هوش مصنوعی استفاده می‌کنند، اما حالا شرکت متا می‌خواهد پست‌هایی را که از این قابلیت استفاده کردند را برچسب‌گذاری کند. برچسب‌گذاری در هر صورت تعداد بازدیدهای پست مذکور را کاهش خواهد داد چرا که بسیاری از کاربران، ویدئوهایی که با چنین برچسبی تار شده باشند را مشاهده نمی‌کنند و از آن عبور می‌کنند. شرکت متا اما این اطمینان را داده که به‌هیچ‌عنوان قصد ندارد مانع آزادی‌بیان یا خلاقیات کاربران فیس‌بوک و اینستاگرام شود و اصلاً قصد فراری دادن آن‌ها را ندارد، بلکه صرفاً با استفاده از این قانون مصوب می‌خواهد به مخاطبانش بگوید که این پست، با استفاده از هوش مصنوعی تولید شده است. تمرکز اصلی شرکت متا بیشتر روی ویدئوهایی است که یک فرد ساختگی با استفاده از هوش مصنوعی، در ویدئو ذکرشده حضور دارد. در واقع محدودیت خاصی اعمال نمی‌شود، اما کاهش مخاطب را بالطبع در بر خواهد گرفت که شاید همین موضوع باعث شود کاربران این دو پلتفرم که مخاطب برایشان اهمیت دارد کمتر سراغ هوش مصنوعی بروند و از سایر اپلیکیشن‌ها برای بهبود کیفیت ویدئوهای خود استفاده کنند.

نگرانی‌هایی برای استاد

شهریورماه ۱۴۰۳ که سر برسد، حضور بهرام بیضایی، ادیب، پژوهشگر، نویسنده و کارگردان شهیر ایرانی در مرکز پژوهش‌های ایران‌شناسی دانشگاه استنفورد آمریکا ۱۴ ساله می‌شود. او شهریورماه سال ۱۳۸۹ به دعوت این مرکز، ایران را همراه خانواده‌اش ترک کرد و از آن زمان تاکنون در کنار پژوهش و تدریس در این دانشگاه، چندنمایش روی صحنه برده است. در همه این سال‌ها که بهرام بیضایی در ایران نبوده است، دریغ از غیبت او و محرومیت مخاطبان‌اش از رودررویی مستقیم با آثار این استادنمایش ایرانی، بارها و بارها از زبان دوستداران و همکارانش مطرح شده است. بهرام بیضایی سال ۱۴۰۰ در پیامی درباره دستاوردهای سومین مهاجرتش پس از انقلاب که طولانی‌ترین آن‌ها شده است، بر کارهایی که در مرکز ایران‌شناسی دانشگاه استنفورد انجام داد، تأکید کرد و گفت: «فرصتی که در وطن از من دریغ شد، این‌جایم به روشن داد؛ امکان آزمون خیالات نمایشی‌ام.» در روزگار دریغ‌ناشی از عدم حضور بهرام بیضایی در وطن، روزشنبه ۱۹ فروردین‌ماه، دست‌به‌دست شدن عکسی از او با ظاهری متفاوت با همیشه در فضای مجازی، نگرانی‌هایی را در مورد وضعیت سلامت بهرام بیضایی برانگیخت که امید است صحت نداشته باشند.



آشنایی با آرای امانوئل لویناس

کتاب «لویناس، مکتب فرانکفورت و روانکاوی»، نوشته سی. فرد آلفرد، با ترجمه سحر اعلایی در ۲۸۰ صفحه و با قیمت ۲۱۰ هزار تومان توسط نشر ققنوس منتشر شد. سی. فرد آلفرد در کتاب «لویناس، مکتب فرانکفورت و روانکاوی»، شخصیت‌ها و مکاتب متعددی را به صحنه می‌آورد. در این کتاب با آرای لویناس درباره دیگری و چهره او آشنایی می‌شویم. از میان اعضای مکتب فرانکفورت، آرای تئودور آدورنو مطرح می‌شود و آلفرد در فصل سوم کتاب، لویناس و آدورنو را رویاروی هم قرار می‌دهد اما روانکاوان نیز به این بزم متفکران دعوت شده‌اند و آلفرد می‌کوشد فروید و دلدور و بینیکات را به گفت‌وگو با لویناس بکشد، اما این پایان ماجرا نیست.



لویناس، مکتب فرانکفورت و روانکاوی
نویسنده:
سی. فرد آلفرد
مترجم: سحر اعلایی
انتشارات: ققنوس

آی‌ریس مرداک و آرنست نازید وارد گفت‌وگو با لویناس می‌شوند و فصل چهارم کتاب حتی پای آریا برلین و مفاهیم معروف او را هم به میان می‌کشد. آلفرد در این کتاب با مفاهیم مهم لویناس همچون دیگری، چهره و نامتناهی کلنجار می‌رود و با سیر در قلمروهای دیگری همچون روانکاوی و فلسفه سیاسی و اجتماعی غنای بیشتری به مباحث فلسفی و دینی لویناس می‌دهد.

قطع رابطه سیاسی ایران و آمریکا



روابط ایران و آمریکا از نیمه‌دوم قرن نوزدهم میلادی آغاز شد اما پس از وقوع کودتای ۲۸ مردادماه ۱۳۳۲، ایران به عمده‌ترین هم‌پیمان آمریکا در خاورمیانه در

نظام بین‌المللی دو قطبی تبدیل شد. با تسخیر سفارت آمریکا در ۱۳ آبان ماه ۱۳۵۸ روابط دو کشور دچار فترت شد و در نهایت جیمی کارتر، رئیس‌جمهور آمریکا در ۲۰ فروردین‌ماه ۱۳۵۹ و پس از ناامیدی از حل مشکل گروه‌گیری دیپلمات‌های آمریکایی، رسماً روابط دیپلماتیک ایران و آمریکا را قطع کرد و دستور داد همه دیپلمات‌های ایرانی به‌فاصله ۲۴ ساعت آمریکا را ترک کنند. در برابر این اقدام، امام خمینی در پیامی خطاب به مردم فرمودند: «اگر کارتر در عمر خود یک کار کرده باشد که بتوان گفت به خیر و صلاح مظلوم است، همین قطع رابطه است... ملت رزمنده ایران این طلیعه پیروزی نهایی را که قدرت سفاکی را وادار به قطع رابطه، یعنی خاتمه دادن به چپاولگری‌ها، کرده اگر جشن بگیرد، حق دارد.»